

مجله حقوق تطبیقی،
دوره ۲، شماره ۱،
بهار و تابستان ۱۳۹۰،
صفحات ۸۷ تا ۱۰۶

انتقال قهری اموال فکری

دکتر سعید حبیبی*

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی و رئیس مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران.

زهرا شاکری**

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی و پژوهشگر مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۱۹

چکیده

انتقال اموال فکری، از حوزه های جذاب مطالعاتی در حقوق مالکیت فکری است اما تاکنون به طور مستقل و ویژه در انتقال قهری آنها کاوش صورت نپذیرفته است. مالک اثر فکری دارای حقوق انحصاری مادی و معنوی بی نظیری می باشد که ثمره تبلور روح و جان او در اثرش است و از این رو مختار است که آزادانه درباره انتقال آنها تصمیم بگیرد و آنها را منتقل کند و سرانجام هر گونه تصرفی را انجام دهد، اما در انتقال قهری، فارغ از اراده ی صاحبان آثار، انتقالی تحقق می گیرد که با انتقال ارادی، تفاوت های ماهوی و اصولی دارد. این مقاله سعی دارد که ضمن بررسی انتقال قهری در مقطع زمانی قبل و پس از مرگ، جنبه های متفاوت آن را برجسته نماید تا درک تازه ای از آن به ثمر نشیند.

واژه های کلیدی: مالک فکری، انتقال، انتقال قهری، ارث، اموال فکری.

habiba@ut.ac.ir
**zshakeri@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول - فاکس: ۶۶۴۹۷۹۱۲

مقدمه

یکی از حقوق مالک اثر فکری آن است که او میتواند مالکیت خود بر اموال فکری را به دیگری انتقال دهد و آنچه در این انتقال برجسته می باشد، عنصر ارادی بودن است اما انتقال همواره به صورت اختیاری نیست و خارج از اراده و اختیار مالک، انتقال صورت می گیرد.

در نظام حقوقی ایران، مراد از انتقال قهری، انتقال مال منقول یا غیرمنقول یا مطالبات کسی به دیگری بدون اینکه سبب این انتقال توافق طرفین باشد مانند انتقال مال مورث به ورثه، است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۸۹)

به عبارتی دیگر این قانون است که مقرر می نماید که حقوق مادی یک فرد که در کیسه دارایی او است، خارج و وارد کیسه دارایی دیگری شود، از این رو در قلمرو حقوق مالکیت فکری، میتوان گفت از آنجا که حقوق مالکیت فکری قابل مبادله با پول است، مردم به سوی آن رغبت نشان می دهند و این حقوق دارای نفع هستند، پس مالیت دارند و به صورت جزئی مثبت در کیسه دارایی مالک فکری قرار می گیرند و اصولاً قابل نقل و انتقال اند و میتوانند از کیسه دارایی فردی به کیسه دارایی فردی منتقل گردند، به طور مثال به وارثان برسند یا طلبکاران را جهت دستیابی به طلب خود از طریق توقیف و فروش آن یاری رسانند.

در یک تقسیم بندی کلی میتوان انتقال قهری را به دو دسته تقسیم نماییم:

۱- انتقال قهری پس از مرگ (ارث / وصیت)

۲- انتقال قهری در زمان حیات مانند انتقال اموال فکری به طلبکاران در نتیجه توقیف و صدور اجرائیه

۱- انتقال قهری پس از مرگ

هر فردی دارای یک کیسه دارایی است که اموال و حقوق مالیش به صورت جزئی مثبت در آن جای میگیرد و پس از مرگ این حقوق و اموال او به ورثه اش منتقل میگردد، به عبارت دیگر، ترکه مورث قهرأً به ورثه منتقل می شود و آنها مشاعاً مالک ترکه خواهند بود (امامی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۳).

یکی از اجزا مثبت این دارایی، حقوق مالکیت فکری است که فرد در دوره زندگیش بدست آورده و بعد از فوت وی به همان شکل و صورتی که در کیسه دارایی مورث می باشد به کیسه دارایی ورثه ی حین الفوت منتقل میگردد و چون انتقال ترکه بدون اراده متوفی و ورثه تحقق پیدا می نماید، بدین جهت آن را انتقال قهری گویند (امامی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۱).

در این انتقال، اموال فکری نیز مانند سایر اجزاء دارایی فرد که از مالیت برخوردار هستند به عنوان ترکه متوفی به ارث خواهند رسید، در نظام حقوقی ایران مالیت اموال فکری مسلم است

و این امر در قوانین مختلف مالکیت ادبی و هنری یا صنعتی، چهره قانونی یافته است (مانند ماده ۱۲ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان ایران) همچنین در بعضی معاهدات جهانی نیز به صراحت از انتقال قهری پس از مرگ سخن به میان آمده است. (مانند ماده ۲۸ موافقتنامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس))

این امر در قوانین ملی نیز آشکارا قابل ملاحظه است و صراحتاً تأکید می گردد که اموال فکری به ارث می رسند (ماده (۱) ۳۰ قانون مالکیت ادبی و هنری بحرین - ماده ۲۷ قانون حق اختراع کویت و...)، حتی بعضی از قوانین با تفصیل بیشتر بیان می دارند که مالکیت و همه ی حقوق منضم به اموال فکری به ارث می رسد. (ماده ۲۵ قانون حق اختراع و طرح صنعتی عراق)

به طور کلی قوانین ملی با توجه به ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و مذهبی، مقررات ویژه خود را درباره ارث وضع می نمایند اما پرسش ما در این مجال آن است که آیا همان اصول سنتی درباره اموال فکری نوظهور اعمال می شوند؟ برآستی اگر بپذیریم که اموال فکری از حیث مال بودن، تفاوتی با سایر اموال ندارند باید بر آن بود که همان مقررات سنتی نیز درباره اموال فکری قابل اعمال هستند اما از این نکته نباید فارغ بود که اموال فکری مظهر شخصیت مبدعان خود هستند و با فراست، احساس و هنر مولفان و مبتکران پا به عرصه وجود نهاده اند و از این رو است که علاوه بر حقوق مادی، حقوق معنوی نیز به موازات آن به مالکان تعلق می گیرد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که در کنار قوانین و مقررات عمومی ارث باید از مقررات مکمل یا احیاناً جایگزین بهره برد. در ذیل به مطالعه این تفاوتها خواهیم پرداخت.

۱-۱- ورثه

مطالب آغازین آن است که ورثه مالک فکری چه کسانی خواهند بود و آیا از این باب تفاوتی بین موجبات ارث وجود دارد؟ به طور کلی این موجبات یا نسب است یا سبب (ماده ۸۶۱ قانون مدنی) و تفاوت شاخصی در این بین نیست، اما در طبقات ارث تفاوتهای مهمی وجود دارد، مطابق با قواعد ارث، ورثه باید با توجه به طبقه ای که در آن هستند، ارث ببرند، به گونه ای که با عدم ورثه در یک طبقه، وراثت طبقه دیگر ارث خواهند برد، بدیهی است که این مسئله در باره ورثه ی مالک فکری اجرا می گردد.

اما قوانین بعضی کشورها صراحتاً ورثه ی مالک فکری را نام می برند و گروهی را از زمره وراثت خارج می نمایند مانند اینکه مقرر نمایند تنها همسر یا فرزندان ارث ببرند و در فقدان آنها والدین مالک فکری ارث می برند (ماده ۳-۶۰ قانون مالکیت ادبی و هنری آلمان) و این به معنای آن است که خواهران، برادران و به طریق اولی عموها، عمه ها یا دایی ها و خاله ها ارث نمی برند یا آنکه اشعار دارند، همسر، فرزندان، والدین، برادران و خواهران به ترتیب از اموال فکری ارث

می‌ببرند یعنی با وجود ورثه مقدم، ورثه بعدی از اموال فکری ارث نخواهد برد و یا اینکه ورثه طبقه سوم یعنی عمو، عمه، خاله، دایی و فرزندان آنها به کلی از ارث محروم هستند (ماده ۱۹ قانون مالکیت ادبی و هنری ترکیه).

به نظر می‌رسد از آنجا که اثر، بخشی از هویت مولف خود است، این امر در تعیین ورثه نیز موثر خواهد بود و تنها وابستگان نزدیک از این شایستگی برخوردار هستند که به مالکیت آن اموال نائل آیند و به اجرای حقوق مادی و معنوی ناشی از آن بپردازند. در این خصوص، حقوق ایران، مقرر خاصی ندارد و لذا مقررات سنتی ارث و وصیت در این زمینه حاکم است و افراد مطابق با طبقات سه گانه ارث خواند برد.

۱-۱-۱ وراثت همسر

همسر، یکی از وارثان مهم مالکان فکری است اما نسبت به آنها مواضع گوناگون یا بعضاً متفاوتی اتخاذ می‌گردد، زن شریک پیروزی مولف است، تسلی دهنده امیدهای نا امید شده اوست، اولین کسی است که از فکر نشر و تصحیح اثر مطلع می‌شود، و حداقل تا زمانی که نام او را حفظ کرده است به عنوان دلسوزترین نگاهبان یاد او تلقی می‌شود (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵).

بعضی از قوانین تاکید دارند تا زمانی که حکم طلاق صادر نشده یا زن مجدداً ازدواج نکرده، از همسر متوفی خود ارث می‌برد، در حقوق ایران حکم خاصی در این زمینه وجود ندارد اما باید بر آن بود که طبق قواعد کلی ارث، زن از اموال منقول، ارث می‌برد و از آنجا که حق تالیف و مالکیت صنعتی و تجاری منقول است (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۴۱) زوجه از آن ارث خواهد برد و اگر مالک فکری قبل از همسر خود فوت نماید، زن از وی ارث می‌برد (به شرط زوجیت دائمی) حتی اگر مطلقه ی رجعی باشد. (ماده ۹۴۳ قانون مدنی)

۱-۲-۱ وصی

در بعضی قوانین ملی، اولویت و حق تقدم با وصی است، به عبارت دیگر در صورتی که متوفی، وصی را طی یک وصیت تملیکی منصوب کرده باشد، او بر اموال فکری تملک خواهد یافت و شاید، ورثه که حتی فرزندان مالک فکری هستند، از ترکه محروم گردند.

مانند آنکه قانون فرا نسوی اشعار دارد که پس از فوت مولف، حق انتشار اثر توسط افرادی که به موجب وصیت نامه تعیین شده اند اعمال خواهد شده و در صورت فقدان وصی یا پس از فوت آنها، جز در صورت وجود اراده مخالف مولف، این حق به ترتیب توسط، فرزندان، همسر،

وراث غیر فرزند، کسی که ترکه به او هبه شده یا در زمان حیات مولف، دارایی به او هبه شده، اعمال می گردد (ماده ۲- ۱۲۱ مجموعه قوانین مالکیت فکری فرانسه).

در این موارد به نظر می رسد از آنجا که اموال فکری برخلاف سایر اموال، تبلور شخصیت پدیدآورنده است، اراده وی در نصب وصی معتمد که به پاسداشت محصول فکری می پردازد، از اهمیت قابل توجه و اولویت برخوردار است. مطابق با نظام حقوقی ایران، امکان انتقال اموال فکری به وصی پیش بینی شده است (ماده ۱۲ قانون حمایت از مولفان ایران) اما علاوه بر این مقرر، وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نیز نافذ نیست (ماده ۸۴۳ قانون مدنی) و به عبارت دیگر، به اجازه وراث برای نفوذ مازاد بر ثلث، نیاز است، در اینجا این پرسش مطرح است که آیا ماده اخیرالذکر در باره اموال فکری نیز اعمال می شود؟ به نظر می رسد از دیدگاه عدالت اگر ارزش اقتصادی مال فکری به بیش از ثلث رسد به تنفید نیاز دارد تا بدین ترتیب حقوق ورثه نیز رعایت شود و از دیدگاه انصاف، از آنجا که اراده متوفی ارحم است، می توان تنفید را در این مسئله منتفی دانست اما سرانجام باید نتیجه گرفت که قانونگذار ایرانی تنها قصد داشته به امکان انتقال از طریق وصیت تصریح نماید و ساختار سنتی حقوق ایران را سست ننموده است از این رو اجرای مقررات مربوط به وصیت مازاد بر ثلث.

همچنین این امر قابل تأمل است که در بعضی موارد، مولف متوفی به وصیت عهدی مبادرت می نماید، چنانچه در انگلیس نهاد وصایت (Literary Executors) وجود دارد که به عنوان وصی به اداره دارایی های ادبی مولفان متوفی می پردازند و اولین تعهد آنان، فروش اثر است که باید با رعایت جوانب احتیاط و عقل صورت گیرد، تعهد اخیر هنگامی از اهمیت خاص برخوردار است که شرایط اقتضا می نماید که بیع اثر به تعویق نیفتد یا آنکه بیع فوری، همه تمایلات متوفی را تامین نماید (Garenett, 2005, p. 272). به طور کلی، به موجب وصیت عهدی، صاحبان آثار قادر هستند، مدیریت اثر از جمله انعقاد قراردادها یا بیع و... را به وصی عهدی خود تفویض نمایند اما نباید از خاطر برد که در هر مورد باید به وصیت نامه مراجعه کرد و اراده متوفی را احراز نمود.

از آنجا که حقوق معنوی بیش از حقوق مادی، با شخصیت مالک فکری در ارتباط است و مالکان، توجه خاصی نسبت به این حقوق دارند، آنها قادرند غیر از ورثه، افراد مورد وثوق خود را جهت حراست از حقوق معنوی خود منصوب نمایند. در شوروی سابق قانون مقرر می داشت که مولف دارای اختیار تعیین شخصی است که اجرای حقوق رعایت تمامیت اثرش را پس از مرگ به عهده گیرد. (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳) همچنین در صورت فقدان وراث یا نمایندگان قانونی متوفی و پس از پایان حمایت قانونی، مقامات دولتی، حق معنوی را اعمال می کنند. (ماده ۱۴۶، قانون مالکیت ادبی و هنری مصر)

۳-۱ ویژگی میراث

۳-۱-۱ میراث مالکیت فکری با سایر اجزای کیسه دارایی مورث تفاوت دارد زیرا که مقید به زمان است و ورثه تنها در چارچوب زمانی قانونی می‌توانند به بهره برداری مالکانه از اموال فکری اقدام نمایند. مدت اعمال حق مادی در کشورهای مختلف، گوناگون است، اگرچه معاهدات بین‌المللی به دنبال وحدت رویه هستند (مانند دستور العمل ۹۳/۹۸ بازار اقتصادی اروپا مصوب شورای اروپایی) اما هنوز همه ی کشورهای از قاعده ی واحدی تبعیت نمی‌نمایند مانند آنکه حق انحصاری بهره برداری از اثر تا ۷۰ سال پس از فوت مولف است (ماده ۱-۱۲۳ مجموعه قوانین مالکیت فکری فرانسه) یا آنکه مدت حمایت تا ۵۰ سال پس از مرگ مولف است (ماده (۱) ۷ کنوانسیون برن). اما گزینش دوره های ۳۰ (۵۰ یا ۷۰) سال نیز با هدف خاصی تعقیب می‌شود چه به طور معمول تا حداکثر ۷۰ سال، نسل اول از نوادگان متوفی قادر هستند با آگاهی و درک تمایلات جد خود به اعمال حق بپردازند و آرزوهای او را به سر منزل مقصود برسانند (Davies, 2002, pp. 265-270).

گروهی از کشورها، دوره حمایتی از حقوق معنوی را محدود به زمان نمی‌دانند و برای همیشه وراثت از حمایت بهره می‌برند (مانند ایران). اما در بعضی کشورها این مدت دائمی نیست، گاهی اوقات اعمال برخی شاخه های حقوق معنوی مدت کمتر یا بیشتری از سایر شاخه ها دارند مثلاً در باربادوس، مدت حمایت از حقوق مادی و معنوی یکسان است اما حق انتساب اثر به مولف تا ۲۰ سال پس از مرگ مولف، برای ورثه باقی است (ماده ۱۸ قانون مالکیت ادبی و هنری باربادوس).

به نظر می‌آید حق بر نام در اکثر قوانین دائمی است، زیرا آثار، مدت های طولانی باقی خواهد ماند و نام مولف تا انتها همراه آن باقی خواهد ماند، البته ممکن است در بعضی موارد مدت حمایت از حقوق معنوی با حقوق مادی یکسان باشد (Bainridge, 1999, p.116) که به این امر باید در مطالعه قوانین ملی توجه شود.

۳-۲-۱ یکی از موضوعات مهم در بحث ارث، تقویم اموال و تعیین حق ورثه است که درباره اموال فکری دشوارتر می‌گردد زیرا ارزش اموال فکری به شدت با قواعد اقتصادی بازار همچون عرضه و تقاضا، واردات موازی، قواعد ارزی کشورها، حمایت قوی از مالکیت فکری و... رابطه‌ی عمیق دارد. از این رو است که تعیین ارزش واقعی بسی پیچیده میشود و در این زمینه پیشنهاد می‌گردد که با کسب نظر کارشناس میانگینی از حداقل و حداکثر ارزش مال فکری محاسبه گردد (حبیبی، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

۳-۳-۱ پس از مشخص گردیدن سهم هر یک از وراثت، حق ورثه چگونه اعمال خواهد شد؟ به طور مثال، اگر ورثه فردی عبارتند از یک پسر و یک دختر باشد، سهم آن دو، برابر است با دو سوم حق تولید ساخت محصول فکری برای پسر و یک سوم آن برای دختر، در اینجا این پرسش مطرح است که آیا هر ورثه ای می توان مستقلأ به اجرای حق بپردازد یا اعمال حق به صورت جمعی است؟ در اینجا به نظر می آید که به ما نند اعمال حق شفعه یا خیار فسخ، همه ورثه بایستی جمعأ حق خویش را اعمال نمایند (امامی، ۱۳۸۱، ص ۴۰) زیرا که اگر یکی از ورثه سهم الارث خود درباره تولید محصول فکری را به اجرا درنیاورد، عملاً تولید به امری محال مبدل می گردد و از سویی دیگر نیز شخص مورث دارای یک حق بوده و ورثه نیز که قائم مقام وی هستند بیش از یک حق نخواهند داشت.

۴-۳-۱ اگر مورثی فوت کند، درحالیکه هنوز حق انحصاری قانونی را در بهره برداری از محصول فکری خود کسب نکرده، ورثه در وضعیت ابهام انگیزی قرار می گیرند، چه هنوز مالکیت به طور رسمی شناخته نشده و از سویی نیز خالق اثر فوت کرده است، این امر در ۲ وضعیت رخ می دهد: الف- شما تصورنمایید، فوت مورث قبل از کسب ورقه ثبت اختراع و پس از تسلیم اظهارنامه رخ می دهد، در این حالت حق مالکیت ناشی از تسلیم اظهارنامه به ورثه منتقل می گردد و آنها سایر مراحل کسب ورقه را طی خواهند کرد (مانند بند ۱ ماده ۳۸ حق اختراع کره)، ورثه ی مالکان فکری نیز بایستی بلافاصله وراثت خویش را به ادارات مالکیت صنعتی اعلام نمایند تا به تبع آن طرفهای قراردادی، افراد ثالث و بالاخره عموم مطلع گردند. (بند ۲ ماده ۱۰۲ حق اختراع کره) پس حالت اخیر در شرایطی است که متوفی اقدامات مقدماتی را جهت ثبت یا افشاء انجام داده است و وضعیت معلقی شکل گرفته که با اقدامات بعدی ورثه مانند تقاضای ثبت به نام خود وارد کیسه دارایی آنان می شود و سپس به اجرا در می آید.

ب- در این موقعیت، اثر اساساً افشاء نشده است و پرسش مهم آن است که آیا ورثه می توانند به افشاء اثر مبادرت بورزند؟ پاسخ به این مسئله، با یکی از حقوق معنوی صاحبان آثار به نام حق افشاء یا تصمیم گیری درباره انتشار اثر ارتباط تنگاتنگی دارد چه مالکان فکری از این حق برخوردارند که درباره افشاء یا انتشار نخستین اثر تصمیم بگیرند اما اگر از این حق خود بهره برداری نمایند آیا ورثه می توانند اثر را افشاء کنند؟ به نظر می رسد از آنجا که ورثه به قائم مقامی متوفی عمل می کنند، قادر هستند که به افشاء بپردازند اما در این میان از آنجا که جنبه شخصی بودن این حق برجسته است باید به اراده صریح یا ضمنی مورث خویش وفادار بوده و براساس نیت وی رفتار کنند (Davies, 2002, pp. 205-206). در این میان در بعضی از قوانین ملی نیز در شرایط سوء استفاده یا عدم استفاده از حق افشاء، امکان تعقیب قضائی از سوی مقامات

عمومی پیش بینی شده است و در موارد اختلاف نظر، مقامات صالح درباره جواز اعمال حق و مسئله مالکیت وارد عمل می‌گردند. (ماده 3-121L مجموعه قوانین مالکیت فکری فرانسه)

۵-۳-۱ انتقال قهری بسیاری از مقرراتی را که جنبه استثنای دارند، ناکارآمد می‌نماید مانند آنکه در بعضی کشورها اشعار می‌دارند، کارمندان اداره مالکیت صنعتی در دوره استخدامی خود حق کسب ورقه اختراع ندارند اما اگر سبب مالکیت آنها توارث یا قائم مقامی باشد، می‌توانند ورقه را کسب نمایند. (ماده ۳۳ حق اختراع کره - ماده ۶ حق طرح کره) یا آنکه انتقال قهری در موارد توارث یا قائم مقامی بدون ثبت نیز در برابر ثالث نافذ است (بند ۱ ماده ۱۰۱ حق اختراع کره) (برخلاف قاعده الزامی بودن ثبت)

۴-۱-۱ تداخل انتقال قهری با الزامات قراردادی

شما تصور نمایید یک مالک فکری به مدت ۱۵ سال حق مادی خود را طی قراردادی به شخص الف انتقال می‌دهد، پس از مدت کوتاهی و در حالی که هنوز مدت قرارداد به پایان نرسیده است، مالک فوت می‌نماید، از این هنگام به بعد چالشی مهم رخ خواهد داد، ما با ورثه ای روبرو هستیم که اموال فکری مورثشان به نحو قهری به آنها منتقل شده و از طرفی با قراردادی که مورث در زمان حیات خود منعقد ساخته و حال باید به آن وفا نمود، روبرو گشته‌ایم.

در اینجا این سوال مطرح است که آیا از مدت ۳۰ سال (۵۰ یا ۷۰ سال) که مقنن برای ورثه در نظر گرفته، کاسته می‌شود یا پس از اتمام مدت قرارداد، دوره حمایتی ۳۰ ساله متعلق به ورثه آغاز می‌گردد؟

در این باره دو دیدگاه را می‌توان مطرح ساخت:

الف- پس از اتمام مدت قرارداد، مدت بهره مندی ورثه از اموال فکری مورث به مدت ۳۰ سال آغاز می‌شود. (۳۰+۱۵)

ب- از مدت حمایتی ورثه کاسته میشود و ورثه میتوانند پس از خاتمه قرارداد، در سالهای باقی مانده، حق خویش را اعمال نمایند یعنی از ۳۰ سال (حداکثر مدت حمایت)، آن سالهای که قرارداد اجرا می‌شده، کسر خواهد شد. (۳۰-۱۵)

به نظر می‌آید نظر دوم با اهداف مقنن سازگارتر است زیرا که قانونگذار هر جامعه‌ای با ملاحظه‌ای واقعیت و سنن هر اجتماعی دریافته که دوره حمایتی تا چه مدت ضرورت دارد و پس از مرگ مالک فکری ادامه یابد از این رو پس از گذشت آن مدت و گذر ایام، دلبستگی ورثه به اثر کم و کمتر می‌شود و دیگر انگیزه ای برای اعمال حقوق خود ندارند.

از طرفی معنای حقیقی ترکه، در اموال و حقوق مالی که متوفی حین الفوت دارا می‌باشد تحقق می‌یابد و ورثه در صورت قبول ترکه، ملزم به وفای تعهدات متوفی هستند، لذا هنگامی

که مالک فکری فوت می کند قرارداد مجوز بهره برداری یا... که مالک در زمان حیات منعقد نموده، به صورت الزامات قراردادی به ورثه منتقل می گردد.

دیدگاه اخیر در بعضی قوانین ملی نیز پیش بینی شده است و اگرچه ورثه دارای حق انحصاری بهره برداری مادی هستند اما باید به قراردادهای منعقد شده مولف با ثالث، جهت بهره برداری از اثر متعهد بوده و آن را اجرا نمایند (۲(a) از ماده ۱۹ قانون کپی رایت سوئد - ماده ۲۲ قانون مالکیت ادبی و هنری اردن). از این رو، می توان نتیجه گرفت که وراثت زمانی می توانند حق قانونی خود را اعمال کنند که هیچ تداخلی با انتقالات ارادی مالک فکری صورت نگرفته باشد.

۵-۱- ترکه بلا وارث

در ایران، اگر پدیدآورنده ای فوت نماید و ورثه ای نداشته باشد، اموال فکری به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد قرار می گیرد (ماده ۱۲ قانون حمایت حقوق مولفان ایران) در فرانسه نیز یک مرکز ملی در صورت فقدان ورثه، به تضمین حرمت آثار ادبی می پردازد^۱. در قوانین بعضی کشورها صریحاً بیان میگردد که در این موارد خاتمه حق اعلام می گردد (ماده ۱۲۴ حق اختراع کره) یا وزیر فرهنگ دستور می دهد که اثر در قلمرو عمومی قرار گیرد (بند ۲ ماده ۲۰ قانون کپی رایت سوئد). یا ممکن است در بعضی آثار مانند آثار مشترک پیش بینی نمایند که اگر یکی از پدیدآورندگان فوت نماید و ورثه ای نداشته باشد، حق مالکیت فکری به دولت منتقل گردد مگر اینکه موافقتی نه ای برخلاف آن باشد (ماده ۲۰ قانون کپی رایت سوئد).

نکته اخیر در بعضی از کشورها حالت عکس دارد و چنانچه یکی از مولفان اثر مشترک فوت نماید و ورثه ای نداشته باشد، حق مولف فوت شده به مولف یا مولفان بازمانده منتقل می گردد. (ماده (۲) ۳۰ قانون کپی رایت بحرین - ماده ۱۴۳ قانون مالکیت ادبی و هنری مصر)

در حقیقت ترکه بلا وارث، مالک خصوصی ندارد و برای استفاده عمومی به بیت المال منتقل می گردد و به عبارت دیگر دنیای نویی را با مالکیت عمومی تجربه خواهد کرد.

۶-۱- حقوق و تکالیف ورثه

ورثه با کسب قائم مقامی مالک فکری متوفی می توانند از حقوق قانونی در بهره برداری انحصاری استفاده کرده و انواع حقوق مادی از جمله حق نشر و تکثیر یا عرضه و... را آزادانه نسبت به اموال فکری اعمال نمایند، آنها قادرند علیه متجاوزان به حقوق مادی که سبب قطع یا کاهش مزایای مادی خود شوند، اقامه دعوی نمایند یا ادعای مالکیت نمایند (ماده ۹ قانون

2- Centre p.ational des Letter.

مالکیت ادبی و هنری بحرین). همچنین، مالکان فکری علاوه بر حقوق مادی، دارای پاره‌ای حقوق غیر مادی هستند که به لحاظ پیوستگی آثار فکری با روح و جان پدیدآورندگان و در جهت حمایت از آنها وضع گردیده است و مسلم است که مالکان فکری در طول دوره حیات خویش، با اختیار تام درباره انتشار یا تکثیر آثار خود تصمیم می‌گیرند یا ولایت خود را از طریق نام خود بر اثر حفظ می‌نمایند یا آنکه در برابر هرگونه تحریف و تغییر ایستادگی می‌کنند و یا حتی قادر می‌گردند محصولی که انتشار یافته و در دسترس عموم است، مسترد نمایند اما برآستی پس از مرگ چنین مالکی، چه سرنوشتی برای این حقوق رقم خواهد خورد؟ آیا اساساً این حقوق به ورثه منتقل می‌گردند؟ یا آنکه وراثت از آن جهت که این حقوق به شدت با شخصیت پدیدآورندگان عجین گشته، تنها به اجرای آن در حدود سنت مالک فکری مورث، اقدام می‌کنند؟

به طور کلی می‌توان گفت وراثت دارای حق بهره برداری از اموال فکری و نیز اقامه دعوی جهت احقاق حق هستند. اما در برابر حقوق، تکالیفی را نیز بر دوش دارند، که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل پرداخت:

الف- انتشار، تکثیر یا تولید اموال فکری که جامعه به آن نیاز دارد (علازغم میل باطنی وراثت).

ب- وفاداری به سنت و سیره پدیدآورنده

الف- انتشار، تکثیر یا تولید اموال فکری که جامعه به آن نیاز دارد (علازغم میل باطنی وراثت)

بعضی از وراثت از اعمال حقوق خود، خودداری می‌کنند و این امر در تقابل با منافع عمومی قرار می‌گیرد و شکلی از تکلیف اجتماعی را فرا روی ورثه قرار می‌گیرد.

اگر ورثه از اعمال حقوق انتقال یافته خودداری نمایند و اثر به لحاظ منافع عمومی دارای اهمیت باشد، مطابق با قوانین ملی کشورها، مقامات صالح نسبت به اقدام قانونی لازم همت می‌گمارند، به طور کلی در این موارد پس از احراز ضرورت اعمال حقوقی مانند نشر یا تکثیر مجدد، ابتدا از وراثت در خواست می‌گردد که حقوق قانونی خود را در مهلت مقرر شده اجرا نمایند اما اگر ورثه خودداری بورزند، مقامات قانونی راساً یا با اجازه دادگاه وارد میدان اعمال حقوق ورثه می‌گردند (الحاکم ولی الممتنع) قوانین ملی در این زمینه عبارات شبیه اما با تفاوت‌هایی را مقرر می‌کنند، مانند آنکه اگر ورثه حقوق منتقل شده به خود را اعمال نکنند وزیر فرهنگ بررسی می‌نماید که آیا منافع عمومی انتشار اثر را ضروری می‌نماید، اگر وی چنین ضرورتی را احراز کند، دستور نشر را به ورثه می‌دهد و اگر ورثه ظرف ۶ ماه از دستور قصور نمایند، وزیر با کسب اجازه از دادگاه و پرداخت مابه‌ازاء منصفانه‌ای، حقوق ورثه را اعمال

می‌کند (ماده ۲۳ قانون مالکیت ادبی و هنری مصر)، مهلت اعمال حق در قوانین ملی نیز، گوناگون است مثلاً از ۶ روز (ماده ۲۳ قانون مالکیت ادبی و هنری لیبی) تا ۶ ماه یا ۱ سال (ماده ۲۴ قانون مالکیت ادبی و هنری قطر، بند ۱ ماده ۲۰ قانون کپی رایت سوئد)، در بعضی کشورها نیز در این زمینه به حکم دادگاه نیاز نیست (ماده ۲۴۲۴ قانون مالکیت ادبی و هنری قطر - ماده ۱۹ قانون کپی رایت ترکیه). یا ممکن است بدون آنکه به مهلتی تصریح گردد، مقرر شود که اگر ورثه حقوق مادی را اعمال نکنند، دستور اجرا صادر گردد (ماده ۲۷ قانون مالکیت ادبی و هنری اردن).

در بعضی قوانین، تنها در صورتی دستور اعمال حق از طریق مقامات صادر می‌شود که قصور و یا سوء استفاده وجود داشته باشد مانند آنکه در صورت سوء استفاده آشکار نمایندگان متوفی در استفاده یا عدم استفاده از حق انتشار، دادگاه شهرستان می‌تواند حکم مقتضی صادر کند. (ماده ۳-۱۲۱ مجموعه قوانین مالکیت فکری فرانسه - ماده ۲۲ قانون مالکیت ادبی و هنری امارات) به این ترتیب، مطابق با بعضی از نظام‌های ملی، بررسی ماهوی، پیش‌نیاز جایگزینی اراده عمومی بر اراده وراث است.

ب - وفاداری به سنت و سیره پدیدآورنده

یکی از مسائلی که در حوزه انتقال قهری مطرح می‌گردد آن است که آیا وراث و قائم مقامان متوفی باید به سنت و تمایلات مورث خویش وفادار باشند، این موضوع در قوانین ملی کشورهای مختلف با پاسخ متفاوتی روبرو شده است، یک قسم از کشورها بر این باورند که دارایی‌های فکری همچون سایر دارایی‌ها به ورثه منتقل می‌شود. آنان عیناً از همان حقوق مورث خود برخوردارند به عبارت دیگر می‌توانند در اثر دخل و تصرف نمایند یا تصمیم بگیرند که در چه هنگامی اثر برای نخستین بار منتشر شود و یا نام و عنوان اثر را تغییر دهند، این دیدگاه که منشاء آلمانی دارد برای وراث، حقوق کاملی را صرف‌نظر از هر گونه تکلیفی مقرر می‌نمایند و لذا وراث مکلف به وفاداری نیستند، در برابر این دیدگاه، حقوق فرانسه اگرچه وراث را به عنوان قائم مقامان متوفی می‌پذیرد اما حقوق آنان را مستقل از تکلیف نمی‌دارند. (Davies, 2002, pp. 59-60) از این رو ورثه باید به سنتها و رویکرد مالک فکری وفادار بمانند، زیرا که محصولات فکری، تبلوری از شخصیت پدیدآورنده‌ی خود هستند و تنها ایشان می‌باشند که میتوانند مصالح، کاربرد ها و ... تعریف و تبیین کنند و اگر اظهارنظر صریحی نبود، عادت و سنن دیرین پدیدآورنده، یاری رسان وراث می‌باشد. اهمیت این تکلیف بویژه در اجرای حق افشاء است.

چنانچه اگر مالک فوت نموده و انتشار صورت نگیرد، تصمیم در ارتباط با انتشار، زمان، مکان و یا رعایت مصالح خاص در اختیار ورثه خواهد بود، در این هنگام باید توجه داشت که ورثه تنها

زمانی می توانند از حق انتشار چشم پوشی کنند که مورث قبل از مرگ، قصد صرفنظر کردن را داشته و یا به دلیل وجود مانعی از اعمال حقش عدول کرده است (ماده ۱-۴۲ قانون مالکیت ادبی و هنری آلمان)، از طرفی وراثت در مسائلی همچون تاریخ نشر و... باید مطابق اراده متوفی رفتار نمایند (ماده ۱۹ قانون مالکیت ادبی و هنری مصر_ (a) ۲ از ماده ۱۹ قانون کپی رایت سوئد) و لذا انتشار قبل از مورخ مزبور قابل تحقق نیست (- ماده ۱۸ قانون مالکیت ادبی و هنری عراق).

ماده ۳ قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان ایران اشعار می دارد که حقوق معنوی غیر قابل انتقال است اما گروهی از حقوق دانان معتقدند، مقصود از غیرقابل انتقال بودن این حقوق به موجب قرارداد بین زندگان است نه غیر قابل انتقال بودن از طریق ارث یا وصایت، زیرا اولاً که حمایت از شخصیت پدیدآورنده اقتضا می کند که حقوق معنوی او بعد از مرگ به وسیله کسانی که قائم مقام او هستند اعمال گردد، ثانیاً ماده ۴ قانون مذکور این حقوق را محدود به زمان ندانسته و از این رو حقوق مزبور نباید با فوت پدیدآورنده از میان برود. ثالثاً از ماده ۲۶ قانون که برای وزارت فرهنگ و ارشاد بعد از سپری شدن مدت حمایت از حقوق مادی عنوان شاکی خصوصی در صورت تجاوز به حقوق معنوی او قائل شده، استنباط می شود که اعمال حقوق معنوی بعد از فوت پدیدآورنده با قائم مقام او اعم از وراثت یا وزارت فرهنگ است. (صفائی، ۱۳۷۵، ص ۸۷)

گروهی از حقوق دانان بر آن نظر هستند که حق معنوی، خاص پدیدآورندگان می باشد و در واقع جزیی از شخصیت او به شمار می رود و حق معنوی بر تالیف را وارثان چنان که هست می توانند اجرا کنند، ولی اصل حق به ایشان منتقل نشده است، چنانکه مولف می تواند نوشته خود را به کلی دگرگون سازد، نظرهای مخالف گذشته بدهد یا آن را از بین ببرد، ولی بازماندگان او چنین اختیاری ندارند. آنان وظیفه دارند که میراث خویش را حفظ کنند و با استفاده از وسایل اجرایی حق، از مزایای مالی آن بهره مند شوند. پس، می توان گفت حق معنوی مولف به صورت یک تکلیف به بازماندگان او می رسد. (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۲۹۹)

از طرفی باید بر آن بود که حق معنوی پس از مرگ مولف تغییر طبیعت می دهد تا مطابق اصطلاح استاد دبو، در خدمت اثر قرار گیرد. (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵)

سرانجام آنکه به نظر می رسد که در هر یک از موارد، به شرح ذیل رفتار می گردد:

۱- حق تصمیم گیری در باره ی نشر محصولات فکری از حقوق مصرحه مالکان فکری است اما به نظر می آید که جنبه شخصی این حق از اهمیت بسزایی برخوردار است و پس از صاحب حق متوفی کسی حق اعمال آن را ندارد. با این وجود قوانین ملی تصریح می کنند که ورثه حق دارند درباره ی اولین دسترسی عموم به اثر تصمیم بگیرند (این آثار از تاریخ نشر قابل حمایت هستند). (ماده ۱۴۳ قانون مالکیت ادبی و هنری مصر) اما باید ملاحظات متوفی را در نظر بگیرند.

لذا بسیاری از قوانین به طور جداگانه به روشن ساختن این شاخه از حقوق می پردازند و اراده‌ی مالک متوفی را در جهت دهی به فرایند نشر یا تولید، زمان، مکان و.. موثر دانسته و در صورتی که مالکی در زمان حیات، قصد در دسترس عموم ساختن اثر یا انتشار را نداشته باشد، ورثه نیز چنین حقی را نمی توانند اعمال کنند. (مانند قوانین مصر که پیشتر اشاره شد) چنین آثاری که پس از مرگ پدیدآورنده، برای نخستین بار منتشر می گردند از حمایت قانونی بهره مند می گردند. (ماده ۲۷ قانون مالکیت ادبی و هنری قطر)

۲- ورثه از آثار فکری مورث خود همچون بستگان خویش مراقبت نموده و نگاهبان رابطه‌ی پدر و فرزندی اثر و مولف خواهند بود اما وراثت حق تغییر نام را نخواهند داشت و محصول فکری همواره به نام پدیدآورنده خواهد درخشید، چنانکه می توان گفت حق مالکیت فکری به نام پدیدآورنده اما از طریق ورثه اعمال می گردد. (ماده (۲) ۶ قانون مالکیت صنعتی برزیل) حتی اگر قبل از ثبت، مورث فوت کند، ورثه باید با عنوان مالک، تقاضا نامه ثبت را تنظیم نمایند (بند د ماده ۵ قانون ثبت اختراعات ایران / بند ۱ ماده ۳۸ حق اختراع کره)

۳- وراثت حق دارند که با طرح دعوی از هر گونه تحریف و تغییر آثار مورث خود جلوگیری نمایند و به این ترتیب، یکپارچگی و یگانگی ترکیب به جای مانده را حفظ کنند، این حق، همان حقی است که مورث دارا بوده و حال از طریق ورثه اعمال می گردد، البته ممکن است بعضی از افراد مشمول قوانین مالکیت فکری، این حق را از دست بدهند، چنانچه وراثت مجریان ممکن است با مرگ هنرمند مجری، این حق را خاتمه یافته مشاهده نمایند (ماده ۳-۸۳ قانون مالکیت ادبی و هنری آلمان) سرانجام آنکه، شخص وراثت حق دخل و تصرف در اثر را ندارند مگر آنکه رضایت صریح یا ضمنی مورث احراز شود.

وراثت همچنین، همواره از این حق برخوردارند تا در برابر هر استفاده‌ی ناروایی که به تصویر یا شهرت پدیدآورنده لطمه وارد آورد، اقامه دعوی نمایند و از حقوق قانونی به جای مانده از مورث، دفاع شایسته‌ای نمایند.

۴- اما آخرین حق معنوی پدیدآورندگان، حق عدول و استرداد است که به موجب آن وی قادر است آثاری که در چرخه اقتصادی قرار گرفته، مسترد نماید، اما در اینجا پرسش آن است که آیا چنین حقی به وراثت منتقل می گردد، برآستی اگر، پس از فوت مالک فکری، امری حادث شود که ضرورت استرداد را مهیا سازد، چه رویکردی اتخاذ می گردد؟ شما تصور کنید، اثری که مولفی خلق کرده و منشاء حرمت اجتماعی وی بوده، پس از مرگ، سبب بی حرمتی و وهن به آستان مولف گردد، در این مجال، آیا می توان مانع از آن شد که وراثت از حق استرداد بهره‌جویند؟ گروهی از نویسندگان معتقدند که به طور استثنائی حق پشیمانی و بازستانی با مرگ مولف دست کم به نظر اکثر حقوقدانان منتفی می‌شود. توجیه استثناء مزبور این است که جنبه شخصی بودن این شاخه از حق معنوی بسیار قوی است. (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴) اما به نظر می‌رسد که اگر

وراث اثبات نمایند که متوفی قبل از وفات خود، قصد بازستانی را داشته یا رضایت خود را مبنی بر اعمال حق در روش خاص اعلام کرده باشد، مانعی در اعمال حق مذکور توسط ورثه وجود ندارد (Davies, 2002, p. 205-206)

به نظر می آید، دلیل چنین استثنائی، ضرورت تشخیص مواردی است که اثر مسترد می گردد و این مسئله، بسیار با جنبه های پنهان شخصیت پدیدآورنده عجین گشته و از این رو باید به اقناع کافی در قصد متوفی دست یافت.

در حقوق ایران به نظر می رسد که همان دیدگاه فرانسوی حاکم است چه اعمال هرگونه تغییر و تحریف بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است (ماده ۱۸ قانون حمایت از حقوق مولفان ایران) و یا آنکه نام و نشان ویژه اثر تنها با موافقت صاحب اثر تغییر می یابد (ماده ۱۹ قانون حمایت از حقوق مولفان ایران) از این رو وراث باید اثبات نمایند که خالقان آثار به تغییر، تمایل صریح یا ضمنی داشته اند.

۲- انتقال قهری در زمان حیات

۲-۱- انتقال قهری به طلبکاران

دارایی به صورت کلی حقوقی و مستقل از اجزای خود می باشد و لذا است که ضامن دیون فرد می باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۲۵) و برای فرد وضعیتی را ایجاد می کند که دیگران به او اعتماد می نمایند و بر مبنای آن با فرد قرارداد منعقد می کنند و طلبکاران اموال او را وثیقه طلب خویش می دانند.

مثلاً وضعیت مالک یک علامت تجاری را تصور نمایید:

حق او بر علامت تجاری به صورت جزی مثبت در کیسه داراییش نمایان است و این سبب می گردد که او از چنان اعتباری برخوردار شود که دیگران به معامله با وی تمایل داشته باشند و حتی در انعقاد قرارداد با مالک فکری بر یکدیگر سبقت گیرند و طلبکاران با اطمینان مضاعفی به آینده طلب خویش بیندیشند.

حال تصور کنید مالک فکری بدهکار می گردد، در این هنگام به درخواست طلبکاران با صدور قرار تامین از سوی دادگاه یا اجراییه اسناد رسمی می توان به توقیف یا استیفاء طلب از محل اموال فکری اقدام کرد.

البته در نظامهای که برای اموال فکری مالیتی متصور نیستند، صدور دستور توقیف بعید است زیرا توقیف به منزله ی سرآغازی برای مالکیت است. همچنین ممکن است مالک فکری در برابر بدهی خویش، اموال فکری را به رهن بسپارد و سرانجام در برابر طلبش، آنها قهراً به طلبکاران منتقل گردند.

درباره ی مسئله اخیر باید گفت امروزه وثیقه گذاری و انعقاد عقد رهن در باب حقوق مالکیت فکری رایج گشته و طلبکاران این اموال را به عنوان وثیقه و رهن می پذیرند. در حقیقت یک تمایل دوجانبه تحقق یافته، از یک سو، مالکان فکری با انعقاد چنین عقودی و کسب منابع مالی در جهت تولید انبوه و ارائه مناسب محصولات به عموم و نهایتاً خلق نوآوری‌های در آتیه گام برمی دارند و از سوی طلبکاران با اطمینان نسبت به وصول طلب خود اقدام می‌کنند. به عبارت دیگر این امر نشان می‌دهد که حقوق مالکیت فکری همچون سایر اموال مالکان خود، به رهن نهاده شده یا در برابر طلب توقیف می‌شوند و... به طور مثال:

یک شرکت داروسازی، حق اختراع یک داروی خود را به رهن نهاد و وامی به ارزش ۱۸۷ هزار دلار اخذ کرد یا اینکه یک شرکت فیلم سازی، حق مالکیت ادبی و هنری خود را به وثیقه داد که ارزش آن ۶ میلیون ین بود. این میزان بالا نقدینگی یا اعتبار به خودی خود مبین آن است که چه انگیزه ای برای طلبکاران جهت رغبت به این معاملات وجود دارد، اگر آنها امیدوار نباشند که اگر طلب آنها وصول نگردد، سرانجام اموال فکری به آنها منتقل خواهد شد، دیگر هیچ انگیزه ای جهت انعقاد عقود مختلف با مالکان فکری ندارند.

در بعضی از قوانین، حقوق مالکیت فکری قابل به رهن نهادن می‌باشد و پیش بینی شده، در صورتی که دین مربوطه ادا نگردد، از محل فروش عین مرهونه، طلب استیفا می‌گردد. (ماده ۶۳ ثبت علائم تجاری کره) یا به مزایده گذاشته شود (ماده ۲۸ قانون حق اختراع کویت). در حقوق ایران به رغم نیاز مبرمی که در حقوق تجارت و نیز حقوق بانکی و ثبتی، به وجود نهاد رهن اموال فکری حس می‌شود، دو مانع عمده بر سر راه ترهین این اموال وجود دارد: شرط عین معین بودن (ماده ۷۷۴ قانون مدنی سابقه ی فقهی دارد و اشعار می‌دارد: مال مرهون باید عین معین باشد) و شرط قبض مال مورد رهن، از این رو رهن چنین اموالی در حاله‌ای از ابهام قرار دارد، اما این دشواری با ارائه راه حل‌هایی از سوی حقوق دانان روبرو شده است و می‌توان با تعبیر عین به اصل مال (به طور کلی چیزی که مالیت دارد و مردم به آن رغبت دارند) در برابر منافع و حق بهره برداری از این اموال و نیز امکان قبض اسناد و اوراق مالکیت اموال فکری (استیلائی عرفی به جای قبض عین)، مشکل را حل نمود. (کریمی و معین الاسلام، ۱۳۸۷، صص ۳۱۵-۳۲۴)

امروزه بسیاری از کشورها اهمیت بحث رهن اموال فکری را لحاظ نموده و آن را در قوانین خود درج کرده اند به طور مثال کشورهای عربی حرکتی را به سوی درک گسترده از بازار و ظرفیت‌های اقتصادی دنیا آغاز کرده اند. (Abu-Ghazaleh, 2000, p. xxii.) لذا اکنون ما شاهدیم که بسیاری از کشورهای عربی از جمله مصر، امارات متحده عربی و... قواعد نکته سنجانه ای در باب توقیف، رهن و انتقال قهری اموال فکری به نمایش گزارده‌اند.

پرسشی که می‌توان مطرح ساخت، آن است که در چه هنگامی می‌توان اموال فکری را توقیف و متعاقباً به طلبکاران منتقل ساخت؟

در اینجا لازم است حالت مختلف بررسی گردند:

الف- هنگامیکه اثری به منصف ظهور نرسیده یا در حد ایده است، مالیت آن در اکثر قوانین محل تردید است و لذا نمی‌توان بحث توقیف و توابع آنرا مطرح ساخت، همچنین تا زمانی که اثر انتشار نیافته یا به عرضه عمومی نرسیده، به نظر می‌آید هنوز مالیت روشنی به وجود نیامده تا مورد توقیف و تامین واقع شود یا حداقل به لحاظ رعایت حق معنوی بدون رضایت پدیدآورنده یا ورثه قابل توقیف نیست. (تبصره ذیل ماده ۶۵ قانون اجرای احکام ایران) در حقوق ایران، این رویکرد قانونی پذیرفته شده است که تصنیفات و تالیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مولف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آن توقیف نمی‌شود، به عبارت دیگر تا زمانیکه اثر در گردش اقتصادی قرار نگرفته، قابلیت توقیف ندارد. (ماده ۱۵۴ قانون مالکیت ادبی و هنری مصر)

در بعضی قوانین ملی، اگر قصد مولف به انتشار آثارش در زمان حیات احراز گردد، توقیف امکان‌پذیر است. (ماده ۱۵۴ قانون مالکیت ادبی و هنری مصر - ماده ۱۲ قانون مالکیت ادبی و هنری اردن - ماده ۱۴ قانون مالکیت ادبی و هنری امارات) نکته حائز اهمیت که در موضوع توقیف و انتقال قهری باید توجه کرد، آن است که بعضی از قوانین، اگر سابقه ای از انتقال ارادی برای مالک فکری در دسترس نباشد، انتقال قهری را غیرممکن می‌دانند به عبارت دیگر تنها زمانی می‌توان اموال فکری را توقیف، مصادره یا انتقال داد که در گذشته، مالک فکری به صورت ارادی به انتقال آن مبادرت کرده باشد (ماده (e) ۲۰۱ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا) به طور مثال اگر اولین انتشار با مجوز اجباری صورت گیرد، از آنجا که رضایت حقیقی مالک به منصف ظهور نرسیده، امکان توقیف وجود نخواهد داشت، این امر از توجه مقنن به جنبه شخصیتی اموال فکری در تفاوت با سایر اموال اشاره دارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که در شرایط توصیف شده فوق، احراز رضایت مالک فکری، امری اساسی در مسیر توقیف و انتقال قهری خواهد بود.

ب- هر گاه اثر به انتشار یا عرضه عمومی رسید، طلبکاران می‌توانند تقاضای توقیف یا تامین را مطرح نمایند (مشیریان، ۱۳۳۹، صص ۱۲۵-۱۲۶) و در این هنگام است که می‌توان نسخه‌هایی را که قبلاً منتشر گردیده توقیف کرد زیرا در این هنگام است که از نظر اجتماعی و اقتصادی، مبتکر یا مولف در وضعیت مالی مناسب قرار می‌گیرد و طلبکاران می‌توانند از محل آن اموال طلبهای خود را استیفا نمایند یا حداقل به طور موقت توقیف صورت گیرد.

۱-۱- وضعیت مالک فکری پس از انتقال قهری به طلبکاران

اگر انتقال قهری در پی توقیف یا رهن اموال فکری رخ داد و مالکیت منتقل شد، سرنوشت مالک فکری که با تلاش های شبانه روزی و بی وقفه به محصولی کم نظیر دست یافته و جامعه را منتفع نموده، چیست؟

به نظر می آید که در چنین شرایطی باید از دیدگاه انصاف، به پاس خدمات پدیدآورنده به جامعه، امتیازی را به او اعطا نمود تا نه از طلبکاران حقی ضایع گردد و نه قدرناشناسی نسبت به مالک فکری صورت گیرد. از این رو در بعضی قوانین پیش بینی گشته که اگر مالک فکری نتوانست دین خود را ادا کند و مال فکری به فروش رسیده، به طور قهری امتیاز قرارداد مجوز بهره برداری غیر انحصاری به مالک فکری اعطا گردد (بند ۲ ماده ۹۹ حق اختراع کره).

۲-۲ ادغام اشخاص حقوقی

بعضی از اوقات یک انتقال ارادی و با اختیار کامل مالک فکری تحقق می یابد اما به تبع آن و به حکم قانون انتقالی غیر ارادی و قهری صورت می پذیرد. شما تصور کنید:

وقتی چند شرکت یا شخص حقوقی در هم ادغام می گردند و شخصیت جدیدی را خلق می نمایند، شرکتی به وجود می آید که کیسه دارایی جدید و مستقلی دارد و مجموع دارایی های شرکت های قبلی همراه با کلیه اموال فکری آنها به شخصیت جدید منتقل می گردد،

در این حال تشکیل شرکت جدید نتیجه اراده موسسان است و درحقیقت یک انتقال ارادی تحقق یافته است اما به همراه این انتقال، قهراً همه ی مالکیت های فکری نیز به شرکت جدید تعلق می گردد و شرکت تازه متولد شده در کیسه دارایی خود، اموال فکری را نیز مشاهده خواهد کرد. (انتقال ارادی + انتقال قهری)

به عبارت دیگر، حقوق مالکیت فکری بعد از تغییر یا انحلال شخص حقوقی به شخص حقوقی که حقوق و تعهدات شخص حقوقی قبلی را قائم مقامی می کند، منتقل می شود و اگر شخص حقوقی جدیدی جایگزین نگردد، حقوق مالکیت فکری در دسترس عموم قرار می گیرد. مانند آنکه بعضی قوانین ملی مقرر می نمایند با ادغام اشخاص حقوقی و با اطلاع اداره مالکیت صنعتی، مالکیت علائم جمعی به شخص حقوقی جدید منتقل می گردد. (ماده ۹ ثبت علائم تجاری کره)

نکته پایانی که در این بخش باید به آن اشاره داشت آن است که منتقل الیه، دارای حقوق معنوی نیست و تنها مالک حقوق مادی اموال فکری می گردد، همانطور که در گذشته اشاره شد،

در طول حیات مالک فکری حق معنوی، انتقال نمیابد و همواره توسط شخص مالک فکری یا نمایندگان منتخب از سوی وی اعمال می گردد.

نتیجه

مالکان فکری با دارا بودن مجموعه ای از حقوق مادی و معنوی دارای موقعیتی منحصر به فرد هستند، از این رو است که تصرفات ارادی آنها در اموالشان همواره در معرض توجه دانشمندان حقوق بوده است.

اما در شرایطی که اراده و اختیاری برای تصرف در اموال فکری وجود ندارد، این پرسش مطرح است که چگونه این گستره ی جذاب مالکانه بر تارک اموال فکری به اجرا در می آید؟ در پاسخ سعی کردیم این انتقال را به دو بخش تقسیم نموده و آن را مطالعه نماییم، اگرچه شاید در بدو امر، همه چیز تابع قواعد کلی ارث، وصیت یا توقیف و فروش اموال باشد، اما دریافتیم که تفاوت‌های آشکاری وجود دارد.

به عبارت دیگر ضمن وفاداری به اصول کلی حقوقی، باید گفت که موقعیت انحصاری پدیدآورنده، گوناگونی جالب و متنوعی را در عرصه وراثت، وصایت و حتی انتقالات قهری در طول دوره حیات رقم خواهد زد.

همانطور که ملاحظه گردید، وصایت از اعتبار خاصی برخوردار است و در بسیاری از مواقع، وصی منصوب، امین تر از وراث قانونی خواهد بود، تفاوت های قوانین ملی در طبقات ارث از نکات قابل ملاحظه است و کشورها بنا به آداب و فرهنگ خود، گروهی را بر دیگری برتری داده اند، به طور کلی وراث برخلاف دیگر همتایان خود که ترکه ای از یک متوفی را به ارث می برند از یک طرف، همواره بایستی، به سیره و سنن و به طور کلی رویکرد مورث خود وفادار مانده و همیشه مطابق با اراده ی وی رفتار کنند، از طرف دیگر نیز هر گونه قصور یا سوء استفاده در بهره برداری از اموال فکری که با منافع عمومی در تضاد باشد، می تواند با واکنش مقامات صالح روبرو گردد.

به غیر از حقوق مادی، در اعمال حقوق معنوی نیز، وظیفه ی حراست و مراقبه از اثر بر دوش ورثه قرار میگیرد و سرانجام آنکه، برخلاف سایر ترکه، این میراث، بیشتر تحمیل کننده ی یک تکلیف به ورثه است تا بهره برداری و تسلطی بلامناع و با اختیار تام از ملک شخصی.

امروزه جهان به دنبال گسترش مناسبات تجاری و اقتصادی و در نهایت جهانی سازی است، در این بین اموال فکری و ارزش مادی و معنوی آنها برکسی پوشیده نیست، این اموال قابلیت آن را دارند که در برابر طلب مالکان فکری توقیف شوند و یا آنکه به رهن گزارده شوند و سرانجام به طور قهری به طلبکاران منتقل گردند، تجربه های کشورهای مختلف در این راستا مبین آن است که این امر

راهگشای تعاملات جدید خواهد بود، ما نیز باید از این فرصت ها بهره جسته و با تعبیر و تفسیر قوانین موجود و اصلاح مقررات، نقاط مبهم را در روشنی به منظر همگان تقدیم نماییم.

این مقاله سعی کرد با تکیه بر مطالعه تطبیقی به ویژه کشورهای اسلامی، توجه تصمیم سازان را در یکی از حوزه های مهم حقوق مالکیت فکری، به نکات مهم و برجسته ای جلب نماید که در قانونگزاری در این قلمرو ضروری است:

- ۱- در وضع قوانین در باره انتقال قهری پس از مرگ، باید اولویت ها، نیازها و مصالح مالک فکری متوفی و جامعه به طور توأمان سنجیده گردد.
- ۲- وراثت، همیشه وامدار مالکان فکری خواهند بود و برخلاف سایر میراث ها، باید تکلیف خود را در برابر عموم مردم، جامعه عمل ببوشانند.
- ۳- باید از وضع قواعد کلی خودداری کرد و در مواردی که انتقال قهری رخ می دهد، دارنده حقوق مالکیت فکری، مدت حقوق مادی و معنوی و سایر قواعد را در هر یک از شاخه های حق (به ویژه معنوی)، روشن ساخت.

در موارد انتقال قهری در دوران حیات، وضعیت مالک فکری پس از انتقال، روشن و تبیین شود.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

- ۱- کنوانسیون برن مصوب ۱۹۷۱.
- ۲- معاهده جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) مصوب ۱۹۹۴.
- ۳- قانون اجرای احکام مدنی ایران مصوب ۱۳۵۶.
- ۴- قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان ایران مصوب ۱۳۴۸.
- ۵- قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱.
- ۶- قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری ایران مصوب ۱۳۸۶.
- ۷- مجموعه قوانین ایالت متحده آمریکا، عنوان ۱۷، اصلاحی ۲۰۰۳.
- ۸- قانون مالکیت ادبی و هنری آلمان مصوب ۱۹۶۵ و اصلاحی ۱۹۹۵.
- ۹- قانون مالکیت ادبی و هنری امارات مصوب ۱۹۹۲ و اصلاحی ۲۰۰۲.
- ۱۰- قانون مالکیت ادبی و هنری اردن مصوب ۱۹۹۲ و اصلاحی ۱۹۹۹.
- ۱۱- قانون مالکیت ادبی و هنری باربادوس مصوب ۱۹۹۸.
- ۱۲- قانون مالکیت ادبی و هنری بحرین مصوب ۱۹۹۳.
- ۱۳- قانون مالکیت صنعتی برزیل مصوب ۱۹۹۷ و اصلاحی ۲۰۰۱.
- ۱۴- قانون مالکیت ادبی و هنری ترکیه مصوب ۱۹۹۵ و اصلاحی ۲۰۰۱.
- ۱۵- قانون مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط سوئد مصوب ۱۹۹۶.
- ۱۶- قانون حق اختراع و طرح صنعتی عراق مصوب ۱۹۷۰.

- ۱۷- مجموعه قوانین مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۹۷.
- ۱۸- قانون مالکیت ادبی و هنری قطر مصوب ۱۹۹۵.
- ۱۹- قانون حق اختراع کره جنوبی- قانون علائم تجاری آن مصوب ۱۹۶۱ اصلاح شده ۲۰۰۱.
- ۲۰- قانون حق اختراع کویت مصوب ۱۹۶۲.
- ۲۱- قانون مالکیت ادبی و هنری لیبی مصوب ۱۹۶۸.
- ۲۲- قانون مالکیت ادبی و هنری مصر مصوب ۲۰۰۲.
- ۲۳- دستور العمل ۹۳/۹۸ بازار اقتصادی اروپا مصوب شورای اروپایی مورخ ۲۹ اکتبر ۱۹۹۳.
- ۲۴- امامی، سید حسن (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، جلد ۳ چاپ شانزدهم، تهران: نشر کتابفروشی اسلامیة.
- ۲۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰)، ترمینولوژی حقوق، چاپ یازدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- ۲۶- حبیبی، سعید (نیمسال دوم ۸۵-۸۴)، جزوه حقوق مالکیت صنعتی ۲.
- ۲۷- صفائی، سید حسین (۱۳۷۵)، "مالکیت ادبی و هنری، بررسی قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان"، مجموعه مقالات حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۲۸- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، اموال و مالکیت، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
- ۲۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، مقدمه علم حقوق، چاپ بیست و هفتم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۳۰- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان.
- ۳۱- کریمی، عباس و محمد معین الاسلام (تابستان ۱۳۸۷)، "رهن اموال فکری"، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، ۳۲۴-۳۱۵.
- ۳۲- پرفسور کلمبه، کلود (۱۳۸۵)، اصول بنیادین حقوق مولف و حقوق مجاور در جهان، دکتر محمدزاده وادقانی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۳۳- مشیریان، محمد (۱۳۳۹)، حق مولف و حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه تهران.

ب- انگلیسی

- 34-Adeney, Elizabeth (2006), The moral rights of Authors and performers, Oxford Press.
- 35 -Abu-Ghazaleh (2000), Intellectual Property Laws of the Arab Countries, Kluwer Law International Press.
- 36-Bainbridge, David (1999), Intellectual Property, Ashford Colour Press.
- 37-Davies, Gillian (2002), Copright and the public interest, sweet & Maxwell Press.
- 38-Garnett, Kevin & Davies & Harbottle (2005), Copinger and skonejames on copyright (ed 15), sweet & Maxwell Press.